



۲۰۱۷/۰۳/۲۱

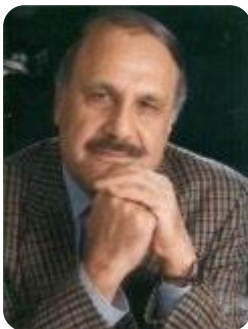


م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

بهار وطن!!

این سروده را، چون تحفه ناچیزی در چندین بهار به دوستداران وطن در غربت، تقدیم کرده ام و اینک با وجودی که هر روز دامن وطن با خون بی گناهان رنگین می شود، اما بهار با زمزمه های مرغان خوش الحان و نسیم عطر آمیز، باز می آید و بر پنجه های آلوده به خون قاتلان حرفوی لبخند نفرت می زند.



من نیز با یادآوری از خصوصیات بهار در هر ولایت وطن عزیزم، حلول نوروز دل افروز ۱۳۹۶ را، به کافه مردم نجیب وطن، در سراسر جهان از صمیم قلب مبارکباد می گویم، آرزو مندم این تکرار حسن ملالت آور نباشد:

به گوش زمزمه های هزار می آید
قنار، نغمه سرا گشته، سار می آید
وطن چو نیست، همه نیش خار می آید
سرشکم از مژه، بی اختیار می آید
دل فسرده ما را به کار می آید
عبیر سوده و مشک تثار می آید
به دشت و دامن قندوز، مزار می آید
به قندهار، به شاخ انار می آید
به کوهسار بدخشان، تثار می آید
به بلخ و بتکده نوبهار می آید

چه خرمیست که فصل بهار می آید
ز بلبلان شده آراسته فضای چمن
گل است و لاله و سنبل، مگر به دیده من
به یاد میهن زیبا و کوهسارانش
کدام موسم عیش و کدام فصل بهار
بهار آنکه به کابل ز نگهت نوروز
بهار آنکه ز جوش شقایق و نسرين
بهار آنکه ز برگ شکوفه رنگین
بهار آنکه، ز برگ زمردین، به نظر
بهار آنکه، به مرغاب و بامی نامی

به ننگ ها به چندین وقار می آید
هرات هم به شمار مزار می آید
نشاط آور و هم مشکبار می آید
بهار بی وطنی ، چون غبار می آید

بهار آنکه، ز گل های نرگس و نارنج
بهار آنکه ز خون شهید خفته به خاک
چنین بهار، گر از دامن وطن خیزد
به چشم بلبل افتاده در قفس چو (اسیر)

م. نسیم (اسیر) ۱۷ فبروری ۹۲م، بن المان

